

معناشناسی تاریخی واژه «حنیف» و شناسایی تحوّل معنایی آن با تأکید بر نفی ارزش‌های موهوم بی بی زینب حسینی^۱ ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی^۲* فرزانه قنبری^۳

چکیده

واژه «حنیف» یکی از واژگان غریب قرآن کریم است که تا کنون پژوهش‌های متعددی درباره آن سامان یافته است. دلیل غرابت معنایی این واژه آن است که معنای ریشه‌ای واژه «حنیف»، «منحرف» و «نجس» است، در حالی که در قرآن کریم، این واژه به معنای «موحد» به عنوان وصف حضرت ابراهیم (ع) به کار رفته است. روشن است این تحول معنایی عمیق، با توجه به مخاطب خاص و با هدف مشخصی رخ داده است. شناسایی این تحول معنایی و دلیل کاربرد «حنیف» در معنای «موحد»، مسئله این پژوهش است.

برای پاسخ گویی به این پرسش، از روش معناشناسی تاریخی استفاده می‌شود. واژه «حنیف»، در برخی آیات در گفتمان جدلی بین قرآن و اهل کتاب برای انکار باورهای نژادپرستانه و خرافی بنی اسرائیل، به کار رفته است. استفاده از دانش معناشناسی تاریخی می‌تواند؛ دلایل تحول معنایی واژه «حنیف» را در ارتباط با دو مؤلفه معنایی «سلامت» و «ابراهیم» (ع) تبیین نماید.

هدف از کاربرد واژه «حنیف» به جای واژه «موحد»، در قرآن کریم به چالش کشاندن باورهای نژادپرستانه و خرافی اهل کتاب، ارزش‌های غیر واقعی و بنیان نهادن یک نظام اندیشه موحدانه و عقلانی، در اندیشه اسلامی بوده است. فهم معنای التزامی و تاریخی واژه «حنیف» به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین ارزش قرآنی، می‌تواند دلیل کاربرد این وصف را برای حضرت ابراهیم (ع) در قرآن با توجه به بافت متنی تبیین نماید. معنای التزامی واژه «حنیف» می‌تواند؛ ارزش‌های موهوم نژادپرستی، جنسیتی، مکانی و مادی را نفی نموده و ارزش حقیقی توحید را اثبات نماید.

واژگان کلیدی: ریشه‌شناسی، تحول معنایی، حنیف، مسلم، ابراهیم (ع)، ارزش.

بیان مسئله

قرآن کریم مهمترین، منبع آموزه‌های دینی مسلمانان و معجزه جاویدان مسلمانان است. عبارات و واژگان این کتاب موجز و با دقت معنایی گزینش شده است. به شکلی که به گفته زبان‌شناسان، هیچ واژه مترادفی در آیات، نمی‌تواند، جایگزین کاملی برای واژگان به کار رفته در قرآن باشد (منجد، ۱۴۱۷، ص ۱۳۱). فهم دقیق معنای واژگان قرآن، از ابتدای نزول قرآن کریم تا عصر حاضر، همواره یکی از دغدغه‌های قرآن

^۱ دانشجویار گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسؤول) zhosseini1400@gmail.com

^۲ دانشجویار گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران aalishahi@cfu.ac.ir

^۳ دانش‌پژوه دکتری جامعه المصطفی رشته قرآن و علوم با گرایش روانشناسی f.ghanbar1404@gmail.com

پژوهان و مفسران، بوده است. یکی از این واژگان «حنیف» است، که پژوهش‌های لغوی متعددی، تا کنون درباره آن سامان یافته است و کتب لغت و معاجم، نشان‌گر دغدغه و اهتمام زبان‌شناسان درباره این واژه است. با این حال پژوهش‌های سامان یافته پاسخ‌گوی همه پرسش‌هایی که این واژه در ذهن مخاطبان ایجاد کرده، نیست.

واژه «حنیف»، یکی از واژگان مشکل، در دانش مفردات قرآن کریم است، توضیح آن که این واژه در زبان عربی به معنای مائل و کجی است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۳۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۰؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ص ۱۴۴) و حمل «حنیف» بر مفهوم «یگانه‌پرست»، به عنوان وصفی برای حضرت ابراهیم(ع)، از نظر لغوی، امری دور از ذهن و همراه با تکلف و توجیهات بعید است. مثلاً در توجیه گفته شده است: «حنف» یعنی مایل شده از شر به خیر و یا از شر به خیر، (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۵۷)^۴ یا «حنیف» یعنی از آیین‌های باطل، به سمت آیین موحدانه مائل شده است (مطرزی، ۱۹۷۹، ج ۱، ص ۲۳۱). ولی ربط آن به ابراهیم(ع) که یک پیامبر معصوم (ع) است و هرگز بر آئین باطل نبوده تبیین نشده است. این شبیه آن است که گفته شود: خدا را به سمت ما کج بفرما! یعنی وصف کجی که یک وصف منفی است برای توحید که مسیر هدایت است، به صورت طبیعی به کار نمی‌رود، بنابراین، این توجیه نمی‌تواند برای کاربرد واژه «حنیف»، در معنای «موحد» قانع‌کننده باشد.

ریشه «حنف» ۱۲ بار و در قرآن کریم، واژه «حنیف» ۸ بار به عنوان وصفی برای عبادت، اسلام و حضرت ابراهیم (ع) به کار رفته است (بقره: ۱۳۵؛ آل عمران: ۶۷، ۹۵؛ نساء: ۱۲۵؛ انعام: ۷۹، ۱۶۱؛ ۵؛ نحل: ۱۲۰، ۱۲۳). دقت در معنای ریشه‌ای و معناشناسی تاریخی «حنیف» تحول معنایی عمیق این واژه را در قرآن کریم را نسبت به متون دینی پیشین نشان می‌دهد؛ زیرا معنای واژه حنیف از منحرف و آلوده در کتاب مقدس، به معنای موحد، در قرآن تغییر کرده است. این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست:

نخست: معنای ریشه‌ای واژه «حنیف» چیست و چه تحول معنایی در این واژه رخ داده است؟

دوم: چرا برای وصف «موحد» برای حضرت ابراهیم (ع)، از واژه «حنیف» استفاده شده است؟

سوم: کاربرد وصف «حنیف» برای حضرت ابراهیم(ع)، چه ارتباط با ارزش حقیقی «خدامحوری» دارد؟

روش پژوهش

برای یافتن دلیل تحول معنایی لازم است، در مرحله نخست؛ با روش ریشه‌شناسی معنای محوری واژه «حنیف» شناسایی گردد. ریشه‌شناسی، علم مطالعه تاریخی واژه‌ها، بررسی تحول شکل واژه‌ها می‌باشد، مسائلی مانند این که يك واژه از چه زمانی و از چه منبعی به زبان مورد نظر راه یافته است، معانی اصلی ریشه واژه‌ها چیست و در مرحله بعد با روش معناشناسی تاریخی تبیین گردد که در طول زمان چه تغییری در معنای آن به وجود آمده است (فهمی حجازی، ۱۳۷۹، ص ۷۵؛ معموری، ۱۳۸۴، ص ۶). معناشناسی تاریخی، به شناخت لایه‌های معنایی می‌پردازد که در طول تاریخ به واژه اضافه شده‌اند، گاهی واژگان دارای معانی التزامی هستند که شناسایی این معانی تنها در پرتو معناشناسی تاریخی میسر است. (یونس علی، ۲۰۰۷، ص ۱۷۷؛ عیساوی، ۲۰۱۵، ص ۳۶) معانی التزامی و ارزشی «کاج سبز» عبارتند از: جشن، تزئین، شادی، هدیه. در حالی که «کاج سبز» به این معانی نیست، ولی به دلیل همراهی با «کاج سبز» معانی همراه آن هستند (رتس، ۱۳۹۳، ص ۸۵). در معناشناسی تاریخی، معنای ریشه‌ای یا معنای مجاور واژگان شناسایی می‌شود و با مقایسه آن با معنای متأخر، تغییرات معنایی

^۴ «الحنف المائل من خیر الی شر او من شر الی خیر»

روشن می‌گردد (همان، ۶۹). در مورد قرآن کریم به دلیل ناظر بودن متن قرآن به عهدین، به ویژه در جایی که موضوع سخن اهل کتاب هستند، معناشناسی تاریخی واژگان، ضرورت دارد.

پیشینه تحقیق

تا کنون، پژوهش‌های متعددی درباره علت تحول معنایی واژه «حنیف»، صورت گرفته است. مانند: «پژوهشی زبان‌شناختی واژه حنیف در قرآن کریم»، از «ابراهیم انیس» ترجمه علینقیان، که علت کاربرد وصف حنیف، برای ابراهیم(ع) را آن دانسته که وی بر ضدّ عبادت رابح قومش، قیام کرده و از آن رویگردان شده است و معنای ریشه‌ای واژه حنیف در زبان‌های سامی را «گرایش» معرفی کرده است. یا «معناشناسی و کاربردشناسی حنیف» در قرآن، «محمد محمود پور»، (۱۳۸۳)؛ «کاربست معناشناسی تاریخی در تحلیل معنای حنیف در قرآن کریم»، اثر «صانعی‌پور» (۱۴۰۲، ش ۵۶، صص ۹۱-۱۰۶) که مسئله بهینه سازی معنای واژه «حنیف» را مطرح کرده‌اند. به این معنا که پژوهشگر، به مسئله تحول معنایی از منحرف به موحد، رسیده است، لیکن، نتوانسته است، دلیل کاربرد وصف «حنیف» را برای حضرت ابراهیم(ع) تبیین کند. همچنین تا کنون پژوهشی درباره معناشناسی تاریخی یا هدف کشف کیفیت تحول معنایی عمیق این واژه صورت نگرفته است. کاستی این پژوهش‌ها از آن جهت است که؛ بر ریشه‌شناسی و کاربردهای تاریخ این واژه در متون مقدس متمرکز بوده‌اند و مؤلفه‌های معنایی مؤثر در این تحول معنایی را مورد توجه قرار نداده‌اند. نوآوری این پژوهش در رفع این کاستی و تبیین روابط معنایی بین ابراهیم(ع)، «حنیف» و «مسلم» بر مبنای معناشناسی تاریخی است که ارزش‌های موهوم و حقیقی در نظام گفتمان جدلی قرآن تبیین می‌شود و تأثیر معنای التزامی واژه «حنیف»، در تفسیر آیاتی است که این وصف برای ابراهیم(ع) به کار رفته، مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین ارزش پژوهشی این مقاله تنها در بُعد معناشناسی تاریخی نیست. بلکه تبیین تأثیر معنای به دست آمده از معناشناسی تاریخی در تفسیر آیات، دست‌آورد اصلی این پژوهش است.

۱- ریشه‌شناسی واژه «حنیف»

شناخت مفهوم دقیق واژه «حنیف» و تبیین چگونگی و دلیل تحول معنایی واژه «حنیف» در مرحله نخست نیازمند ریشه‌شناسی است.^۵ در این جا از ۴ راه کار برای ریشه‌شناسی و شناسایی معنای محوری واژه «حنیف» استفاده می‌شود که عبارتند از:

۱-۱- تفکیک معانی مصداقی از معنای محوری واژه «حنیف»

یکی از ابزارهای مهم در ریشه‌شناسی و دستیابی به معنای محوری، تفکیک بین معانی واژگان مشتق از یک اصل است، برای دستیابی به این منظور لازم است؛ ابتدا در معانی واژگان مشتق از یک ریشه جستجو کرد. (انیس، ۱۹۹۷، ص ۱۰۶؛ یونس علی، ۲۰۰۷، ص ۱۷۷). سپس معانی مورد اختلاف در مشتقات، به عنوان معنای غیرمحوری، از آن انتزاع گردیده تا معنای مشترک در کاربردهای مختلف از یک ریشه تبیین گردد (حسن جبل، ۲۰۰۶، صص ۲۰۳-۲۰۵؛ علوان، ۲۰۱۶: ۱۳۸؛ محسن، ۲۰۱۶: ۷۱) ظاهراً آشنایی اعراب با واژه «حنیف»، از طریق کاربرد این واژه در قرآن کریم است و این واژه کاربرد چندانی در زبان عربی نداشته است. ریشه «حنف» در معاجم و کتب لغت، به معنای کجی و مایل شدن آمده است. مانند: «الحنف؛ میل فی صدر القدم» کسی که کج راه می‌رود یا پاهایش به سمت یکدیگر مایل است، «حُنْفَاء» به معنای قوس و «أُمَّةٌ حُنَفَاءٌ» به معنای قومی است که گاهی غمگین و گاهی با نشاط است، (حسن جبل، ۲۰۱۰، ص ۵۱۲) لغویون

^۵ باید توجه داشت، ریشه‌شناسی دارای راهکارهای متعددی است، که متأسفانه برخی آن را به مقارنه بین زبان‌های سامی تقلیل داده‌اند و وقتی در ریشه‌شناسی از راه کارهای بیشتری استفاده شود، اعتبار معنایی که حاصل می‌شود، افزایش می‌یابد.

با توجه به کاربرد قرآنی این واژه، معنای واژه حنیف را کسی دانسته‌اند که گرایش از گمراهی به سوی درستی و صراط مستقیم داشته باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۴۸؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ص ۱۴۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۴۳). در تمامی کاربردهای ریشه «حنف» واژه مفهوم «انحراف» و «گرایش» وجود دارد که می‌توان آن را معنای محوری واژه «حنیف» دانست.

۲-۱- شناسایی اصل مضاعف «حنیف»

یکی دیگر از راه کارهای ریشه‌شناسی، مراجعه به اصل مضاعفی است که واژگان ثلاثی از آن مشتق شده و معنای محوری در آن اصل حفظ شده است. واژه «حنیف» از اصل مضاعف «حَنَ» به معنای گرایش، میل، ... مشتق شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۰۱؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۱۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۰۸)، حَنَّ در زبان عربی به معنای تغییر آمده است (سامرای، ۱۹۸۹، ص ۵۷).

۳-۱- مقارنه «حنیف» در زبان‌های سامی

یکی دیگر از ابزارهای سودمند، در دانش ریشه‌شناسی، مقارنه واژه بین زبان‌های سامی است. زبان‌های سامی، زبان‌های خواهر هستند و معنای محوری در بسیاری از واژگان آن حفظ شده است. بنابراین اگر دسترسی به معنای ریشه‌ای یک واژه به دلایل مختلف غرابت تاریخی یا جغرافیایی، میسر نگردد، این ابزار نیز می‌تواند تأثیر مهم و مثبتی در دسترسی به معنای محوری واژگان داشته باشد (صبحی صالح، ۲۰۰۴، ص ۴۹). مقارنه ریشه واژه «حنف» با زبان‌های سامی نشان می‌دهد. حنف در زبان آشوری «hanpu» آلوده و نجس آمده است hana: در زبان عبری חֲנִיף به معنای انحنا «خمیدگی» و «منحرف» است (کمال‌الدین، ۲۰۰۱، ص ۱۵۲؛ samuel Dadson, gesenius p.337). چون مقارنه بین زبان‌های سامی در پژوهش‌های پیشین به صورت کافی انجام شده است از تکرار آن اجتناب می‌شود و به این نکته بسنده می‌شود که در این پژوهش‌ها نیز، مفهوم تاریخی و ریشه‌ای بر اساس مقارنه، همان نجاست و انحراف بیان شده است (نک؛ صانعی‌پور، ۱۴۰۲، صص ۹۱-۱۰۶).

۴-۱- مراجعه به خطوط ابتدائی و تصویری

مراجعه به معانی حروف تصویری قدیمی عبری نیز یکی از ابزار سودمند در ریشه‌شناسی است (ویل دورانت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۲۹). صورت‌های تصویری عبری قدیم، واژه «حنف» هست بدین گونه است: صورت تصویری حرف «حاء» به شکل یک دیوار 𐤇 که نماد نشان دادن حدود بوده است. حرف نون، تصویر باستانی 𐤍 از يك جوانه دانه است که ایده آن را نشان می‌دهد. ادامه به نسل جدید. این تصویر دارای معنای ادامه است. حرف فا 𐤍 تصویر آن شبیه دهان است به معنای گفتن و دمیدن از عملکرد دهان است. (۲۹-samuel Dadson p.28) در کنار هم قرار گرفتن این حروف می‌تواند بامعنایی انحراف از حدود و مرزها که در ریشه واژه «حنیف» وجود دارد سازگار باشد.

با توجه به راه کارهای مختلف ریشه‌شناسی، مفهوم محوری در واژه «حنیف»، «انحراف» است که در زبان عبری و سریانی به دلیل انحراف انسان‌های ناپاک و پست از حقیقت، به ایشان «حنیف» اطلاق شده است و در بین مسلمانان به دلیل میل و گرایش به توحید و یگانه پرستی به انسان موحد، «حنیف» گفته شده است. بنابراین هر دو معنای متضاد «منحرف» و «موحد» به یک اصل معنایی و محوری که معنای انحراف، میل و گرایش بازمی‌گردد و این دو معنا، را می‌توان از سنخ معانی مصداقی واژگان دانست. ولی باید توجه داشت، یک معنای التزامی به جهت تطور عمیق معنایی و تاریخی، در این واژه وجود دارد و آن نفی ارزش‌های نژادی و یا ارزش‌های موهوم است. باید توجه داشت، هرگاه واژه «حنیف»، در معنای «موحد» به ویژه به عنوان وصفی برای «ابراهیم» (ع) به کار رود، تطور معنایی هدفمندی در این واژه

رخ داده و معنای التزامی نفی ارزش‌های موهوم در آن حضور دارد و در آیاتی که واژه «حنیف»، به ویژه زمانی که به عنوان وصفی برای «ابراهیم» (ع)، به کار رفته نباید از این «معنای التزامی» غافل شد. به طور کلی شناسایی مفاهیم التزامی، در معناشناسی تاریخی، امری ضروری است، زیرا سبب تبیین بهتر مفاهیم می‌گردد. زبان‌شناسان به معنای التزامی، معانی ارزشی نیز گفته‌اند. مثلاً برای واژه «درخت کریسمس»، معنای التزامی و احساسی مانند: جشن، تزئین، شادی، هدیه، کاج سبز وجود دارد (رتس، ۱۳۹۳، ص ۸۵) تبیین معنای التزامی واژه «حنیف»، در معناشناسی تاریخی واژه «حنیف» به دلیل تعلقش به نظام ارزشی قرآن، اهمیت دارد.

۲- معناشناسی تاریخی حنیف

برای معناشناسی تاریخی واژه «حنیف» لازم است کاربردهای این واژه در کتاب مقدس و مؤلفه‌های معنایی مرتبط با آن بررسی شود. بنابراین شناسایی جایگاهی که واژه «حنیف» در کتاب مقدس به کار رفته و مؤلفه‌های معنایی مرتبط با «حنیف» در معناشناسی تاریخی، ضرورت دارد.

۲-۱- حنیف در کتاب مقدس

حنیف در کتاب مقدس بارها به معنای آلوده، نجس شده، کافر، بت‌پرست، چاپلوس، هتاک و پست به کار رفته است. مانند: (ایوب ۸: ۱۳؛ سموئیل اول ۹: ۱۶؛ مزامیر ۳۵: ۱۶) حنیف، در کتاب مقدس به معنای نجس، آلوده و بیشتر در ارتباط با زمین به کار رفته است. برخی از موارد کاربرد حنیف در ارتباط با زمین آلوده، در کتاب مقدس از این قرار است:

* «زمین زیر ساکنانش **ملوث** می‌شود، زیرا که از شرایع تجاوز نموده و فرائض را تبدیل کرده و عهد جاودانی را شکسته‌اند» (اشعیا ۲۴: ۵)

* «مگر آن زمین بسیار **ملوث** نخواهد شد؟ لیکن خداوند می‌گوید: تو با یاران بسیار زنا کردی، اما نزد من رجوع نما» (ارمیا ۲: ۲۳)

* «و **زمین نجس** شده است و انتقام گناهش را از آن خواهم کشید» (لاویان ۲۵: ۱۸)

* «و زمین از خون [بی‌گناه] **ملوث** گردید» (مزامیر ۳۸: ۱۰۶)

* «و زمینی را که در آن ساکنید **ملوث** مسازید، زیرا که خون، زمین را **ملوث** می‌کند» (اعداد ۳۵: ۳۳)

* «ای مردان اسرائیلی، امداد کنید! این است آن کس که برخلاف امت و شریعت و این مکان در هر جا، همه را تعلیم می‌دهد. بلکه یونانی‌ای چند را نیز به هیکل درآورده، این مکان مقدس را **ملوث** نموده است» (اعمال رسولان ۲۸: ۲۱)

از منظر یهودیان، به مانند مسلمانان، طهارت و نجاست می‌تواند مربوط به جسم و یا اعتقادات باشد، برخی نجاساتی که جسم را نجس می‌کنند. عبارتند از: خون، میت، عمل جنسی، حیض، ولادت و برخی گناهایی که اعتقادات را نجس می‌کند عبارت است از شرک. در عبارات غیر محرف و عقلانی تورات، ریختن خون بی‌گناه، زنا و شرک زمین را آلوده می‌کند. ولی بعدها این اصل صحیح اعتقادی به خرافه‌ای تبدیل شد که غیربنی اسرائیل نجس و حنیف هستند، چون در آن زمان تنها قوم موحد، بنی اسرائیل بودند. از سوی دیگر خود یهودیت و مسیحیت به شرک آلوده شد. ولی باور پاک کردن زمین خداوند از مشرکان در بین اهل کتاب به دورکردن غیر بنی اسرائیل از ارض مقدس تبدیل شد و طبق باورهای خرافی ایشان خون یسوع بنی اسرائیل را از همه خطاها تطهیر کرد (یوحنا ۱: ۷، ۹: ۱) یهودیان معاصر نزول قرآن کریم بر این باور بودند که ارض موعود، سلامتی و خلاص منحصر به بنی اسرائیل بود و این انحصار را برآمده از عهد خداوند با ابراهیم (ع) می‌دانستند.

در اندیشه یهودی، سرزمین بیت المقدس باید از حضور غیر بنی اسرائیل پاکسازی شود تا قداست آن حفظ گردد. این دیدگاه در سفر اعداد (۳۳:۳۵) چنین بیان شده است: «پس زمینی را که شما در آن ساکنید و من در میان آن ساکن هستم نجس مسازید، زیرا من که یهوه هستم در میان بنی اسرائیل ساکن می‌باشم» در شریعت اولیه یهود، عدم ایمان به خداوند، شرک و بت پرستی عامل نجاست و «وثنی» یا «امی» شدن محسوب می‌شد، اما بعدها این مفهوم تنها به غیر نژاد بنی اسرائیلی بودن تغییر یافت. حال روشن می‌شود معناشناسی تاریخی دقیق «حنیف» در کتاب مقدس حداقل به شناسایی مفهوم دو مؤلفه سلامت و حضرت ابراهیم (ع) نیز وابسته است.

۲-۱-۱- سلامت

سلامت، از ریشه «سلم»، به معنای عافیت و صحت است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۹۰) سلامت یک مفهوم مهم دینی و تاریخی در همه ادیان ابراهیمی است. بنی اسرائیل بر این باورند، که خداوند در هنگام ورود حضرت ابراهیم (ع) پدر دینی یهودیان و مسیحیان، به سرزمین اردن، در حاشیه رود اردن، پادشاهی آخرالزمان موعود را دیده است (سقا، ۲۰۰۳، ص ۳۰). طبق باور ایشان، خداوند وعده داده است: «فرزندان تو در این زمین به سلامت و خلاص خواهند رسید». در تورات چنین آمده است: «خداوند با ابراهیم، عهد بست و گفت: این زمین را از نهر مصر تا به نهر عظیم، یعنی نهر فرات، به نسل تو بخشیده‌ام» (پیدایش ۱۵: ۱۹-۲۱). در بین بنی اسرائیل تفسیرهای متفاوتی از مفهوم سلامت و خلاص دیده می‌شود: برخی رهایی از خطای اولیه حضرت آدم؛ برخی مرگ و بیماری، برخی پادشاهی جهان و سلطه بر عالم را از آن برداشت کرده‌اند، ولی غالب یهود، آن را حمل بر «پادشاهی جهان» کرده‌اند (عوض، بی تا، ص ۲۳؛ مسکین، بی تا، ص ۷) در تورات آمده است: آمدن روز «سلام» وابسته به آمدن «رئیس سلام» است که خداوند او را مسح کرده است (اشعیا ۹: ۶-۵؛ ۲: ۶۱-۹). بعد از تخریب اورشلیم در سال ۵۹۷ قبل از میلاد، وعده رسیدن به «سلامت» تبدیل به شعار و آرزوی انبیاء شده است (برنابا، ۲۰۰۴، ص ۵۳۲؛ فیملین، ۲۰۰۷، ص ۱۹۳؛ سقا، ۱۹۷۷، ص ۶۹). در سراسر کتاب مقدس، اشاره به مفهوم «عهد خلاص» بیش از هر مفهوم دیگری وجود دارد (زکی، ۲۰۰۹، ص ۱۷۱).

بنی اسرائیل بر این باورند؛ باید ارض موعود را از وجود غیر بنی اسرائیل که از نگاه ایشان ناپاک هستند، تطهیر کنند و ایشان را حتی اگر اهل ارض موعود هستند، خارج کنند. از نگاه یهودیان تندرو، تنها بنی اسرائیل صلاحیت حضور در این سرزمین را دارند (شاحاک، ۲۰۰۴، ص ۱۲۱). یکی از باورهای ایشان آن است که خداوند وعده داده است که تمامی بنی اسرائیل را در روز ظهور موعود، در بیت المقدس [اورشلیم] که متعلق به بنی اسرائیل است، جمع می‌کند و این سرزمین را از وجود غیر بنی اسرائیل پاک می‌کند و ایشان را از زمین سرزمین می‌رباید [طرد می‌کند] (فیملین، ۲۰۰۴، ص ۸۵).

معناشناسی تاریخی واژه «حنیف» در کتاب مقدس نشان می‌دهد که این واژه به عنوان وصفی برای زمین به کار رفته است؛ اما تفسیر این وصف، همچون بسیاری دیگر از مفاهیم دینی، تحت تأثیر نگرش نژادپرستانه بنی اسرائیل دچار تحریف شده و به مفهومی تقلیل یافته که براساس آن، هر زمینی که در آن غیر بنی اسرائیل حضور داشته باشد، آلوده محسوب می‌شود، بنابراین «حنیف» به غیر بنی اسرائیل هم اطلاق شده است (همان). بنابراین روشن شد، وصف «حنیف»، از مکان به غیر انسان غیر بنی اسرائیل، تعمیم یافته است.

۲-۱-۲- ابراهیم (ع):

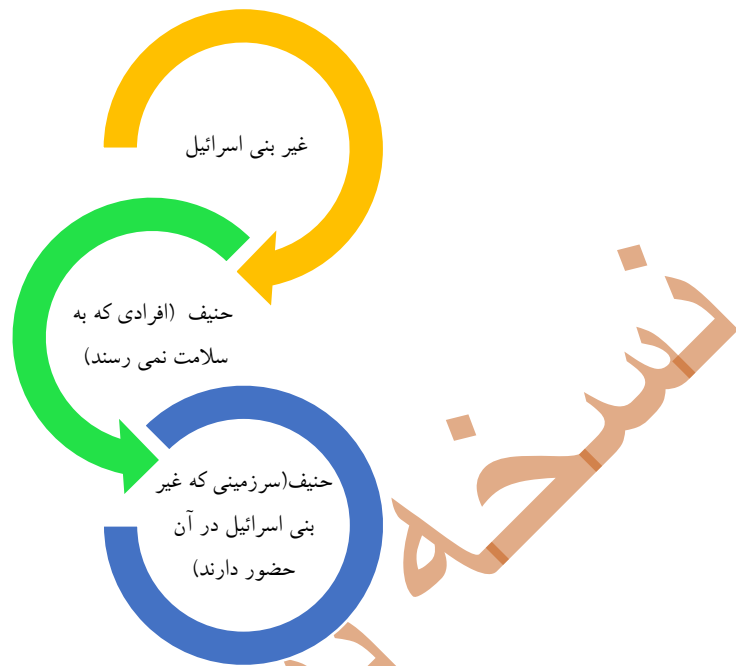
ابرهیم (ع) یکی از انبیای اولوالعزم و نماد توحید است که سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام به نام وی ادیان ابراهیمی خوانده می‌شود. یهودیان و مسیحیان جایگاه ویژه‌ای برای حضرت ابراهیم (ع) قائل هستند و بر اساس متون کتاب مقدس (سفر پیدایش: ۱۸: ۲۰-۱۵: ۱۶)،

خود را منحصرأ از نسل ایشان می‌دانند و هیچ نژاد دیگری را در این نسب‌نامه نمی‌پذیرند. یهودیان و مسیحیان معتقدند که از آنجا که آنها فرزندان ابراهیم (ع) هستند و وعده حکومت جهانی به فرزندان ایشان داده شده است، صلح و سلامت در ارض موعود منحصر به فرزندان ابراهیم (ع) است و به ناپاکان یا غیر بنی اسرائیل نمی‌رسد (مسیری، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۹۸).

تفسیر خاص یهودیان از جایگاه حضرت ابراهیم (ع) در آموزه‌های تورات و تلمود، موجب درآمیختگی عمیق مفاهیم دینی با هویت قومی و نژادی در این آیین شده است. این امتزاج دین و قومیت، به عنوان یک انحراف فکری، زمینه‌ساز شکل‌گیری نگرش‌های تبعیض‌آمیز در اندیشه و رفتار پیروان این آیین گردیده است. ایشان بر این باور، جزم و یقین دارند که خداوند این عهد را ابراهیم (ع) درباره بنی‌اسرائیل یا شعب اسرائیل بسته است. تحقق این وعده و عهد، از نگاه غالب ایشان، به هیچ چیزی مشروط نشده است و عملکرد ایشان بر خلاف شریعت موسی (ع) و یا عیسی (ع)، منافاتی با این موضوع ندارد (فیرلین، ۲۰۰۷، ص ۱۹۷). بنابراین ابراهیم (ع) در نزد ایشان افزون بر صاحب دین یهودیت و مسیحیت، منبع اصلی این عهد بزرگ است. منبعی که به استناد جایگاه رفیع وی، این پیمان ارزش پیدا می‌کند. اگر ابراهیم (ع) از نظر ایشان دارای مشروعیت نباشد، عهد خداوند با ابراهیم (ع) نیز اعتباری نخواهد داشت.

روابط معنایی واژه حنیف از نگاه اهل کتاب





۲-۲- «حنیف» در قرآن کریم

واژه حنیف در قرآن کریم دوازده بار به کار رفته است. در هشت آیه از آن مربوط به وصف آئین ابراهیم (ع) است و ۶ مرتبه به عنوان وصفی برای خود ابراهیم (ع) به کار رفته است. مهم‌ترین کاربرد آن در آیه شصت و هفت سوره آل عمران هست که خداوند می‌فرماید: ابراهیم یهودی و نصرانی نبود، بلکه «حنیف» و «مسلم» است.^۶ کاربرد دو وصف «حنیف» و «مسلم»، درباره حضرت ابراهیم (ع) ناظر بر باورهای بنی اسرائیل است و اعتقادات ایشان را به صورت جدی به چالش می‌کشاند. قرآن کریم با استدلالی محکم، ادعای انحصارطلبانه اهل کتاب، درباره وارث بودن زمین و رسیدن به عهد سلامت مبتنی بر عهد حضرت ابراهیم (ع) را به چالش می‌کشد.

۲-۳- جدل قرآن کریم با اهل کتاب

قرآن کریم در اثبات حقائق و انکار امور باطل از انواع شیوه‌های استدلال از جمله جدل بهره برده است. جدل، استدلالی است که از قضیه‌های مشهور یا مورد قبول مخاطب تشکیل می‌شود و برای قانع‌سازی طرف مقابل به کار می‌رود. استدلال و جدل قرآن کریم با اهل کتاب برای نفی باور نژادپرستانه بر دو محور اساسی استوار است:

۲-۳-۱- جدل با تحول معنایی در واژه «حنیف»:

قرآن کریم، در موارد متعددی واژگان مرتبط با خرافات و اندیشه‌های اهل کتاب را باز تولید کرده و در ساختاری به کار برده که خرافی بودن اندیشه‌های اهل کتاب را نشان داده و باورهای صحیح دینی را تبیین نماید. به شکلی که اهل کتاب این موضوع را دریافته‌اند (زروانی و همکاران، ۱۳۹۵، صص ۲۶۹-۲۸۴). و چنین گفته‌اند: «در بسیاری موارد نوع کاربرد واژگان در قرآن درباره باورهای اهل کتاب را، باید نوعی جدل دانست، که هدف آن برجسته کردن بوجی و نادرستی باورهای اهل کتاب در چشم انداز اسلام است» (Griffith, 2011,)

^۶ «ماکان إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»

p311). یکی از این موارد را می‌توان کاربرد واژه «حنیف» به عنوان وصفی برای حضرت ابراهیم (ع) دانست. تقدم تاریخی حضرت ابراهیم (ع) بر ظهور یهودیت و مسیحیت نشان می‌دهد، ابراهیم (ع) نمی‌توانسته پیرو این ادیان باشد (آل عمران: ۶۵). حنیف بودن ابراهیم (ع)، به گونه‌ای «جدلی» انگاره باطل مذهبی و نژاد پرستانه طهارت بنی اسرائیل را به چالش می‌کشد. تمام ادعای بنی اسرائیل برای رسیدن به خلاص و سلامت، مبتنی بر عهد ابراهیم (ع) است. در حالی که طبق باور بنی اسرائیل و تقسیم بندی ایشان برای بشریت مبتنی بر عامل نژادی، ابراهیم (ع) جزء «حنفاء» است. چون ابراهیم (ع) جزء بنی اسرائیل نیست. او از نظر زمانی بر بنی اسرائیل تقدم دارد و پدر اسحاق است و جزء فرزندان یعقوب نیست، پس طبق مبنای اهل کتاب «حنیف» به شمار می‌آید. این یک استدلال جدلی است که از کاربرد وصف «حنیف» برای ابراهیم (ع) قابل فهم است. به این معنا که چگونه ممکن است، وعده خداوند برای رسیدن به سلامت، برای فرزندان ابراهیم (ع)، داده شود، در حالی که خود ابراهیم (ع) طبق تقسیم بندی بنی اسرائیل منحرف و ناپاک به شمار می‌آید. چون طبق منطق ناقص بنی اسرائیل، فقط ابناء اسرائیل، پاک به شمار می‌آیند و بدون هیچ دلیلی فرزندان دیگر ابراهیم (ع) از این وعده مستثنی شده‌اند. قرآن کریم، به جای استدلال و بحث، با کاربرد وصف «حنیف» برای ابراهیم (ع)، نادرستی باور بنی اسرائیل را به سخره گرفته است. این جدل و سخره را مخاطب اهل کتاب به خوبی دریافته است. این که کاربرد وصف «حنیف» برای ابراهیم (ع)، یک جدل با اهل کتاب است را می‌توان از واکنش‌های متعدد و قابل توجه مستشرقان به واژه «حنیف» به خوبی دریافت. که به بخشی از این دیدگاه‌ها اشاره می‌شود: «لیال» و «داچ» و «هویرتس» و «گلیوت»، این واژه را مسلمان معنا کرده‌اند (جفری، ۱۳۸۶، صص ۱۸۳-۱۸۱). «وینکلر» این واژه را حبشی و به معنای مشرک و «هرشفلد» این واژه را عبری و به معنای کفرآمیز و ناپاک دانسته (همان، ص ۱۸۵). «مونتگمری وات»، تحول معنایی از مشرک در نزد عرب جاهلی و مسیحیان به مسلمان در بین مسلمانان مطرح کرده است (احمدی، ۱۳۷۴، صص ۸۶-۷۸). «ریچارد بل» می‌گوید: حنیف به معنای روی گرداندن و منحرف شدن می‌باشد (ریچارد بل، ۱۳۸۲، ص ۴۲). این تنها بخش اندکی از اظهار نظر مستشرقان درباره واژه «حنیف» است (نک؛ صانعی‌پور، ۱۴۰۲، صص ۹۱-۱۰۶). از وسعت آرای مستشرقان درباره واژه حساسیت ویژه اهل کتاب به کاربرد وصف «حنیف» برای ابراهیم (ع) قابل فهم است. در محور نخست، کاربرد وصف حنیف، برای ابراهیم (ع) نشان دهنده بطلان انحصار سلامت به بنی اسرائیل است.

۲-۳-۲- جدل با استدلال عقلانی

بخش دیگر مجادله قرآن با اهل کتاب در این باره مبتنی بر استدلال عقلانی است. این که ایمان بدون عمل، تأثیری در رشد انسان ندارد. مبنای این استدلال با عبارات مختلف به صورت مبسوط در قرآن مطرح شده است. از نگاه قرآن کریم، آن چه رساننده به سلامت است، عبادت و اخلاص در عبادت و توحید عملی است. معیار حقیقی پیروی که همانا تبعیت عملی از آموزه‌های توحیدی ابراهیم (ع) است، (آل عمران: ۶۸). قرآن کریم در این سوره با تبیین جامع مفهوم اسلام، آن را به عنوان تنها دین مقبول نزد خداوند معرفی می‌کند (آل عمران: ۸۳-۸۵). قرآن تصریح می‌کند که خداوند نبوت و کتاب را به کسانی عطا می‌کند که مردم را به توحید و عبودیت حقیقی دعوت می‌کنند (آل عمران: ۷۹) و از اهل کتاب می‌خواهد به این حقیقت محوری بازگردند (آل عمران: ۱۹۹). خداوند تصریح می‌کند «عهد» بر موضوعی دیگر دلالت داشته است و عهد را خداوند از بندگان گرفته که به جز او کسی را عبادت نکنند و از شیطان تبعیت نمایند (یس: ۶۰).

به ایشان می گوید: عهد او با بنی اسرائیل مشروط به عمل ایشان به عهدشان بوده است. (بقره: ۴۰)^۷ و عهد دیگر نداشته است (بقره: ۸۰).^۸ از سوی دیگر، انتساب بنی اسرائیل را به عنوان ابناء ابراهیم (ع) که مستحق رسیدن به سلامت هستند، نفی می کند و می فرماید: سزاوارترین افراد به ابراهیم (ع)، کسانی هستند که از او تبعیت می کنند (آل عمران: ۶۸)^۹ و پیامبر اکرم (ص)، ابراهیم (ع) نه یهودی بوده است و نه نصاری، بلکه یک موحد واقعی بوده است (آل عمران: ۶۷). قرآن کریم به تحریف تورات و انجیل و نیز عقاید خرافی و نژادپرستانه بنی اسرائیل اشاره های متعددی دارد. (نساء: ۴۶)^{۱۰}

در نگرش قرآنی، ایمان به خداوند یگانه عامل تطهیر است و شرک موجب نجاست می شود (توبه: ۲۸)؛^{۱۱} اما این امر هیچ ارتباطی با نژاد خاصی ندارد و هر فردی که به خداوند و پیامبر (ص) ایمان آورد (نور: ۳۵)،^{۱۲} مسلم و پاک محسوب شده و مستحق رسیدن به «دارالسلام» می گردد (یونس: ۲۵).^{۱۳} و اگر بنی اسرائیل نیز به عهد خود با خداوند عمل کنند، مستحق رسیدن به سلامت و عهد الهی می گردند (بقره: ۴۰).^{۱۴} به عبارت دیگر، توحید به عنوان عامل تطهیر و ارزش حقیقی، فراتر از ارزش های موهوم قومی، جنسیتی، مکانی و مادی بنی اسرائیل است. این دیدگاه در تقابل با نگرش یهودیان و مسیحیان قرار دارد که رسیدن به سلامت را به خاطر ارزش های موهوم حق انحصاری خود می دانند. همچنین در تفکر یهودی-مسیحی، زمین به عنوان میراث خاص این اقوام تلقی می شود، در حالی که قرآن کریم زمین را میراث صالحان معرفی کرده (انبیاء: ۱۰۵)^{۱۵} و تصریح می کند این موضوع در کتب پیشین هم ذکر شده است و بر عدم وجود عهد خاص الهی با گروهی خاص تأکید می کند و این که عهد ابراهیم (ع) به ستمکاران نمی رسد (بقره: ۱۲۴).^{۱۶}

قرآن وجود عهد ابراهیم (ع) را نفی نکرده، در قرآن کریم بشارت به حکومت صالحان و پادشاهی ایشان بر عالم هستی نیز بیان شده است، این بشارت به فرزندان ابراهیم (ع) بوده است (انعام: ۷۵).^{۱۷} از نگاه قرآن کریم، شجره ابراهیمی، شجره ای است که انسان بر اساس ایمان و عمل می تواند در آن قرار گیرد (فاطر: ۱۰).^{۱۸} مسئله نژادی و عامل انتقال خونی، در گفتمان دینی جایگاهی ندارد و در صورتی که عمل انسان صحیح نباشد، نژاد، جنسیت، مکان و مادیات تأثیری در سعادت و رسیدن انسان به سلامت ندارد (هود: ۴۶).^{۱۹} در آن چه بیان شد، یک استدلال عقلانی بر بطلان انگاره نژاد پرستانه بنی اسرائیل در قرآن کریم صورت گرفته است.

^۷ «يا بني إسرائيل اذكروا نعمتي التي أنعمت عليكم و أوفوا بعهدي أوف بعهدكم و إني فاهمون»

^۸ «قُلْ اتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ»

^۹ «إِنْ أُولَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ»

^{۱۰} «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُخَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ»

^{۱۱} «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا»

^{۱۲} «كَأَنَّهُا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ»

^{۱۳} «وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

^{۱۴} «يا بني إسرائيل اذكروا نعمتي التي أنعمت عليكم و أوفوا بعهدي أوف بعهدكم و إني فاهمون»

^{۱۵} «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»

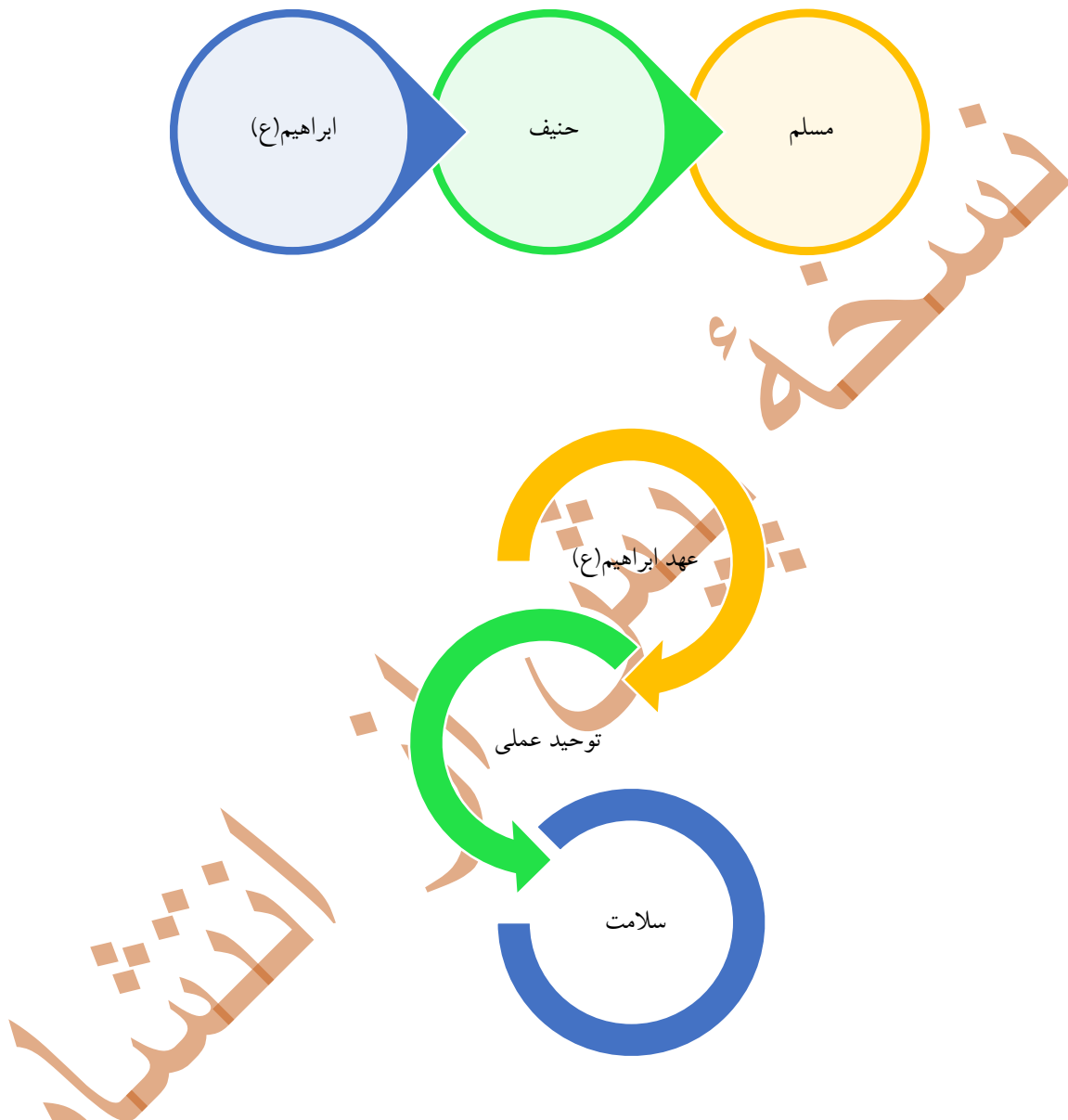
^{۱۶} «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَتْهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا تَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»

^{۱۷} «وَ كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِفِينَ»

^{۱۸} «مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»

^{۱۹} «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ»

روابط معنایی واژه حنیف از نگاه قرآن کریم



وصف حنیف برای ابراهیم (ع)، ۷ بار در قرآن کریم ذکر شده است که در هر ۷ مورد، با توجه به آن چه بیان شد، در راستای نفی ارزش‌های نژادی و غیر واقعی به کار رفته است، یعنی معنای التزامی واژه «حنیف» یک معنای ارزشی است که در معناشناسی تاریخی همان‌طور که گفته شد، توجه به آن ضروری است. معنای دقیق تحول یافته واژه «حنیف»، کاملاً همسو و هم‌جهت با معارف عالی و بافت زبانی به کار رفته است. «حنیف» در این آیات معنایی را افاده می‌کند که واژه «موحد» نمی‌تواند آن را برساند.

۳- ارزش‌های حقیقی در قرآن کریم

ارزش عبارت است از بار معنایی خاصی که انسان برای برخی از اعمال، گفتار و زمان‌ها، در پاره‌ای از حالت ویژه قائل می‌شود. امروزه بشر دریافته است که ارزش‌ها به درون حیات اجتماعی او گام گذاشته و در تمدن‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. ارزش‌ها بر آمده از باورها و نگرش‌هاست. ارزش‌ها از یک سو منعکس کننده جهان‌بینی و از سوی دیگر، تأمین کننده هنجارها، قواعد، الگوها و شیوه‌های زندگی فردی و اجتماعی است (تقی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۰). جهان‌بینی اسلامی، مبنای شکل‌گیری نظام ارزش‌های قرآنی است. قرآن کریم، به مبنای و زیرساخت‌های عام ارزش‌های اجتماعی مورد نظر خود توجه داده است. هدف نهایی نظام ارزشی قرآن، رعایت احکام و قوانین و زمینه‌سازی برای نیل انسان‌ها به سعادت دنیوی و اخروی و تعالی و تقرب به خداوند است (فروزنده دهکرد، ۱۳۹۴، صص ۱۱۷-۱۳۵).

واژه «حنیف»، در این نظام ارزشی، در زمره ارزش‌های مثبت، به معنای خدامحور و موحد و از مهم‌ترین ارزش دینی و متعلق به ارزش‌های اعتقادی و عملی است، ارزشی حقیقی که هر آنچه در برابر آن باشد، از نگاه قرآن کریم، ارزشی موهوم است، چون ارزش توحید، مبتنی بر وجود خداوند به عنوان وجود عالم، قدرت و رحمت حقیقی و بی‌نهایت در عالم هستی است. بنابراین ارزش خدامحوری، مهم‌ترین ارزش و مبنای شکل دهنده نظام ارزشی در قرآن کریم است (شیرداغی، ۱۳۹۸، ص ۵۱۷). در این بخش، ما به دنبال شناسایی ارزش‌های موهوم با محوریت معنای التزامی واژه «حنیف» در قرآن کریم هستیم. همان‌طور که در بخش ریشه‌شناسی بیان شد، در معنای آیاتی که واژه «حنیف»، به ویژه به عنوان وصف حضرت ابراهیم (ع)، به کار رفته است، باید به این تحول معنایی عمیق هدفمند و معنای التزامی واژه حنیف، توجه داشت. وصف «حنیف» برای ابراهیم (ع) ۸ بار در ۵ سوره به کار رفته است، که به نظر می‌رسد؛ قرآن کریم در این پنج سوره (بقره، آل عمران، نساء، انعام، نحل) به دنبال نفی ارزش‌های موهوم بنی اسرائیل است.

۳-۱- حنیف و نفی ارزش نژادی

تبعیض نژادی عبارت است از برتری یک انسان بر انسانی دیگر و گروهی بر گروه دیگر به واسطه ویژگی‌های ذاتی و غیراکتسابی؛ مانند رنگ پوست، زبان، نژاد، قومیت و ملیت. بر اساس نژادپرستی برخی افراد بر این باور هستند که به سبب تعلق به نژاد خاصی از برتری نسبت به سایر انسان‌ها برخوردارند (صفا، ۱۳۸۳، ص ۱۲۰). در طول تاریخ بشریت و جوامع مختلف بشری، موارد متعددی وجود دارد که با وجود غیر عقلانی و ناعادلانه بودن ارزش‌های نژادی، جنگ‌ها و ستم‌های بسیاری به بشریت به خاطر نژاد شده است، موارد متعددی مانند: تبعیض‌های نژادی بین سفید پوست‌ها و سیاه‌پوست‌ها، نژاد آلمانی و غیر آلمانی (کلارک، ۱۴۰۰، ص ۱۰۶). قرآن کریم، در سوره آل عمران، با این بیان ارزش بودن نژاد را نفی می‌کند. اهل کتاب، نژاد و قومیت خود را برتر از سایر نژادها می‌دانند و نژاد بنی اسرائیل را به دلیل طرد شدن از ارض موعود، تنها قومی می‌دانند که مشمول عهد ابراهیم (ع) و رسیدن به سلامت است (مسیری، ۱۳۸۶، ص ۱۳۳).

در سوره بقره و آل عمران، مسئله «حنیف» بودن ابراهیم (ع) ناظر بر نفی ارزش نژادی بنی اسرائیل طرح شده است. این دو سوره در دوره‌ای حساس در تاریخ اسلام، در مدینه نازل شده است (شرف الدین، ۱۴۲۰، ص ۳، ۲۳). این دوره با چالش‌های متعدد داخلی و خارجی برای جامعه نوپای اسلامی همراه بود. مسلمانان به دلیل همجواری با اهل کتاب با اشکالات جدی از سوی ایشان به ویژه برتری نژادی بنی اسرائیل مواجه بودند. محتوای هر دو سوره به نقد رویکردهای اهل کتاب، مسیحیان می‌پردازد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۹۷۹؛ شرف الدین، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۴). در این دو سوره، خداوند ضمن دعوت مسلمانان به صبر و اتحاد در مقابل دشمنان، حقایق هدایت‌بخش الهی برای تقویت روحیه مؤمنان در برابر شبهات اهل کتاب مطرح کرده است. در هر دو سوره، خداوند اسلام را به عنوان دین جامع و تأمین‌کننده سلامت در تمامی ابعاد حیات بشری معرفی می‌کند و آن را دین مشترک تمامی انبیاء الهی معرفی می‌نماید. در آیه ۱۳۵ بقره چنین می‌فرماید: «

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» یهودیان و نصاری تنها راه هدایت و نجات را آیین یهودیت یا مسیحیت معرفی می کنند، در حالی که تبعیت از آیین ابراهیم حنیف، سبب رستگاری می شود و ابراهیم (ع) نه یهودی بوده است و نه نصاری.

خداوند در این آیات، ادعای اهل کتاب مبنی بر حق ذاتی حکومت جهانی بر اساس وعده الهی به ابراهیم (ع) را رد می کند و همچنین با نقد تفکر «قوم برگزیده» و «دوستان خدا» (مائده: ۱۸)،^{۲۰} معیار محبوب بودن نزد خداوند را تبعیت از اوامر الهی معرفی می کند (آل عمران: ۳۱).^{۲۱}

به نظر می رسد، کاربرد واژه «حنیف»، این معنای التزامی را به همراه دارد که؛ ضامن رستگاری انسان و مسیر حقیقی دستیابی به صلح و سلامت، تنها در توحید عملی و تبعیت از آئین موحدانه ابراهیم (ع) است و پیوندهای نژادی تأثیری در رسیدن انسان به سلامت و عهد ابراهیمی ندارد. در واقع مخاطب یهود، با این روش جدلی، از شنیدن این وصف درباره ابراهیم (ع) به فکر فرو می رود، تا بتواند دلیل این تحول معنایی عمیق را ادراک کند و در می یابد، که قرآن باورهای خرافی و نژاد پرستانه او را به سخره گرفته است. همان طور که گفته شد؛ مخاطبان اهل کتاب، از کاربرد بسیاری از واژگان قرآن، آن را دریافته اند و به آن تصریح کرده اند (Griffith, 2011, p.311).

۳-۲- حنیف و نفی ارزش جنسیتی

یکی دیگر از ارزش های ناعادلانه و غیر عقلانی، که در تاریخ بشری معضلات متعددی را ایجاد کرده است، تبعیض های جنسیتی بوده است (پارساپور، ۱۴۰۰، ص ۱۳۸). یهودیان، افزون بر ارزش موهوم نژادی، ارزش جنسیتی را نیز در رسیدن به سلامت مؤثر می دانند. مراجعه به کتب عهدین نشان می دهد، زنان به دلیل ختنه نشدن و مملوک بودن و ابتلاء به حیض، از نظر یهود پاک نمی شوند و در حد سایر مملوکات مانند حیوانات هستند، (فیرلین، ۲۰۰۷، ص ۱۳۷).^{۲۲} به صورت کلی اعمال زنان در یهودیت از جهت مساعدت هست، نه مشارکت (ابوغضه، ۲۰۰۳، ص ۱۸۷) زنان از ارث بهره ای ندارند پس جزء وارثان و صالحان نیز نمی باشند. (عاشور، بی تا، ص ۴۳). ولی قرآن کریم، این نوع ارزش گذاری را در سوره نساء نفی کرده و با آوردن واژه «حنیف» در آیه ۱۲۵ نساء؛ «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» و با ذکر مفهوم التزامی انکار ملاک طهارت از نگاه اهل کتاب، در این سوره ارزش گذاری جنسیتی را، نیز باطل دانسته است.

سوره نساء، پس از هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه نازل شده است. این دوره زمانی، مقطعی حساس در شکل گیری جامعه اسلامی و تثبیت احکام و قوانین اجتماعی اسلام بوده است، که با محتوای تشریعی و اجتماعی سوره نساء نیز همخوانی دارد. فضای نزول سوره نساء، بازتاب دهنده دوران گذار جامعه اسلامی از سنت های جاهلی به نظام حقوقی و اجتماعی اسلام است. در این برهه، جامعه مدینه با چالش های متعدد اخلاقی و اجتماعی مواجه بود، از جمله: تضییع حقوق یتیمان، سوء استفاده از اموال آنان، ازدواج های غیراخلاقی با دختران یتیم و رها کردن آنها، محرومیت زنان و کودکان از حقوق ارث، و حتی ازدواج با نامادری که از فقه یهودی نشئت گرفته بود (جوادی آملی، ۱۳۸۳،

^{۲۰} «وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ»

^{۲۱} «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

^{۲۲} اگر چه این تبعیض جنسیتی در بین مسیحیان اصلاح شده و زنان دارای شأن برابر با مردان هستند، در عین حال زنان از نگاه یهودیان انسان به شمار نمی آیند که بخواهند به سلامت برسند. اگر چه در بین مسیحیان زن و مرد هر دو می توانند به سلامت برسند

۱۷، ۳۲: شرف الدین، ۱۴۲۰، ۲، ۱۰۵). در چنین بستری، این سوره با ارائه قوانین جامع و نظام‌مند، به اصلاح ساختارهای اجتماعی پرداخت و چارچوب‌های حقوقی و اخلاقی نوینی را برای عدالت انسانی پایه‌گذاری کرد (شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۴۲-۲۴۴) نگرش تحقیر آمیز به زنان، در بین اعراب جاهلی ریشه در باورهای خرافی بنی اسرائیل داشت. سوره نساء با رویکردی تربیتی و اصلاحی، به احیای حقوق زنان در جامعه نوپای اسلامی می‌پردازد. پیش از این که خداوند ابراهیم (ع) را «حنیف» بخواند، مسئله برابری عمل زن و مرد را در نزد خداوند مطرح می‌کند و این انگاره که زنان به دلیل عدم طهارت، مستحق رسیدن به سلامت نیستند را نفی می‌کند: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا» (بقره: ۱۲۴) و انگاره اهل کتاب را توهّم و اندیشه باطل می‌خواند «لَيْسَ بِأَمَانَتِكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلَ الْكِتَابِ...» (نساء: ۱۲۳) ذکر واژه «حنیف» بعد از این آیات و در ساختار سوره نساء، می‌تواند نشان‌گر بطلان ارزش جنسیتی به مانند ارزش نژادی باشد.

۳-۳- حنیف و نفی ارزش مکانی

یکی دیگر از موضوعاتی که در طول تاریخ، معضلات متعددی برای بشریت ایجاد کرده است، مسئله برتری طلبی اقوام مختلف به خاطر عوامل جغرافیایی و مکانی بوده است. جغرافیا، عامل مهمی در شکل‌گیری فرهنگ، قدرت سیاسی و اقتصادی است. لیکن رفتاری که قوم یهود درباره مکان ارض موعود انجام داده‌اند، رفتاری خودخواهانه و نادیده گرفتن حقوق سایر ملت‌ها و مذاهب است. واژه «حنیف» به عنوان وصفی برای ابراهیم (ع) بار دیگر در سوره نحل به کار رفته است: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (نحل/ ۱۲۰) تصور اهل کتاب این است که می‌توانند با گناه‌کاری، به دلیل حضور در ارض موعود از عذاب ایمن باشند و به سلامت برسند. در حالی که قرآن تصریح می‌کند، ابراهیم (ع) اهل ارض موعود یا همان فلسطین نبوده است. امت ابراهیم (ع)، از یهودیان با عدم تبعیت از ابراهیم (ع) و نادیده گرفتن احکام شریعت، به خودشان ستم کردند و تعلقشان به سرزمین موعود، مانعی برای عذاب ایشان نبوده است.

سوره نحل در زمان هجرت رسول اکرم (ص) از مکه به مدینه به دلیل شکنجه‌های شدید مسلمانان و برای تسلی خاطر مسلمانان، نازل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۵۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، صص ۱۹۷-۲۳۰). غرض اصلی این سوره، تبیین نصرت الهی برای مؤمنان، مجاهدان و مهاجران فی سبیل الله است (نحل: ۴۱).^{۳۳} سوره نحل با بهره‌گیری از تمثیل زنبور عسل که از هر مکان مناسب همچون کوه‌ها، درختان و داربست‌ها برای ساخت کندو استفاده می‌کند (نحل: ۶۸)، الگویی برای هجرت و سیر در زمین ارائه می‌دهد. این سوره با اشاره به تمهیدات الهی برای سفر، طیف گسترده‌ای از امکانات را برمی‌شمارد: چهارپایان (نحل: ۵۹)، منابع خوراکی، آب باران و میوه‌ها (نحل: ۹-۱۰)، نشانه‌ها و راهنماهای مسیر (نحل: ۱۲-۱۶)، جلوه‌های زیبای سفر (نحل: ۱۳)، قوانین طبیعی تسهیل‌کننده سفر مانند حرکت کشتی‌ها (نحل: ۱۴)، راه‌های کوهستانی (نحل: ۱۵) و سرپناه‌های قابل حمل نظیر چادر (نحل: ۸۱). خداوند در این سوره با دعوت به سیر در زمین برای مشاهده عاقبت کفار (نحل: ۳۶)، به مهاجران فی سبیل الله وعده جایگاهی نیکو در دنیا و پاداشی برتر در آخرت می‌دهد (نحل: ۴۱).

به نظر می‌رسد، ربط این آیه به غرض و ساختار سوره نحل در آن است؛ اگر چه مکه شهر مقدسی است و خانه کعبه و قبله مسلمانان در آن قرار دارد، سبب وجود ارزش برای کفار در آن سرزمین نمی‌شود و خروج پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان نیز از این شهر، سبب بی‌ارزش شدن

^{۳۳} «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَنَجْزِيَنَّ الْآخِرَةَ أَكْبَرَ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»

ایشان نمی گردد، ذکر این آیات در کنار موضوع هجرت در سوره نحل را می توان از این جهت دانست که ارزش مکانی نیز مانند ارزش های نژادی، از دیدگاه قرآن کریم، بی مبنا و غیر عقلانی است. از نگاه قرآن کریم، ارزش مکان به مؤمنانی است که در آن مکان ساکن هستند، مکان زمانی ارزش می یابد که در راستای عبودیت الهی قرار گیرد. اگر بندگان عبادت خداوند را نکنند، هر چند سرزمین، ایمن و پربرکت بوده باشد، مورد عذاب الهی قرار می گیرد (نحل: ۱۱۲).^{۲۴} و مکان نمی تواند مانع عذاب شود (نحل: ۱۱۸)،^{۲۵} سوره نحل در تبیین مفهوم حنیف بودن ابراهیم (ع)، او را به تنهایی امتی معرفی می کند (نحل: ۱۲۰). این توصیف بیانگر آن است که قدرت و تأثیرگذاری انسان ها نه به کثرت جمعیت، بلکه به قوت ایمان و توکل بر خداوند و درجه توحید محوری آنان وابسته است.

۳-۴- حنیف و نفی ارزش مادی

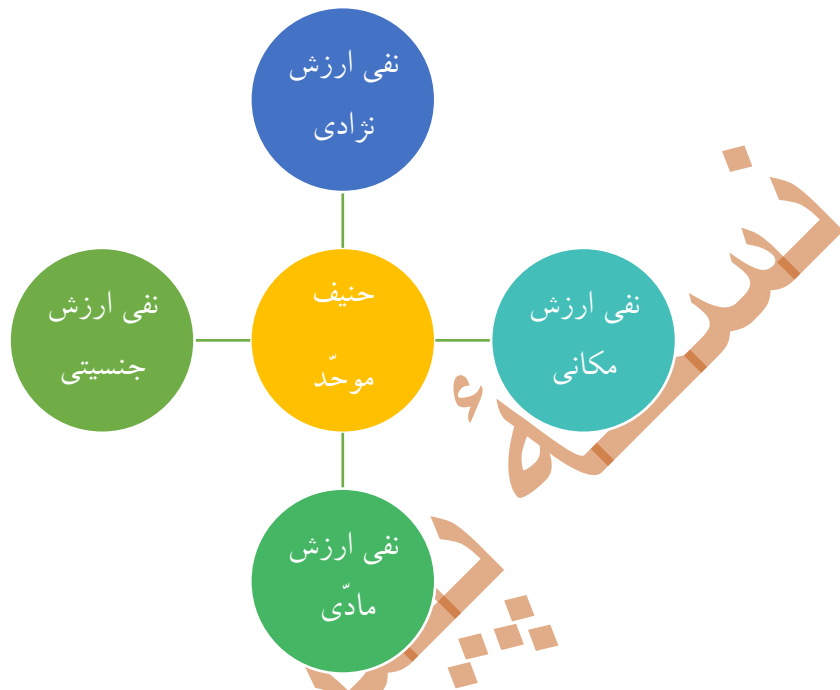
وصف «حنیف» در سوره انعام نیز دوبار برای ابراهیم (ع) به کار رفته است: «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»؛ «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام: ۷۹ و ۱۶۱) غرضی که این سوره در مقام ایفای آن است همان توحید خدای تعالی است، البته توحید به معنای اعم و اینکه اجمالا برای انسان پروردگاری است که پروردگار تمام عالمیان است. خداوند به منظور بشارت بندگان و انذار آنان پیغمبرانی فرستاد تا مردم به سمت خدا و دین حق هدایت شوند، بیشتر آیات این سوره به صورت استدلال علیه مشرکین و مخالفین توحید و نبوت و معاد است، البته مشتمل بر اجمالی از وظایف شرعی و محرمات دینی نیز می باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۶). در این سوره حضرت ابراهیم (ع)، خدایان مادی خورشید و ستاره را به خاطر عدم بقایشان انکار می کند. به صورت کلی مادیات چون فانی است، فاقد ارزش ذاتی است. مگر آن که ابزار قرب و نزدیکی انسان به خداوند قرار بگیرد (زمر: ۳). در این سوره خداوند انسان را از سرگرم شدن و فریفته شدن به زندگی دنیوی برحذر می دارد. اهل کتاب، بر اساس آیات قرآن کریم، به دنبال سود و منفعت مادی هستند و برای به دست آوردن منافع مادی بیشتر، از گناهانی مانند: رباخواری و جنگ افروزی اجتنابی ندارند. ارزش و برتری خود را در ثروتی که دارند می دانند و به واسطه آن به سایر مردم فخر فروشی می کنند. ولی قرآن کریم تذکر می دهد، قدرت و برتری مالی یک ارزش موهوم است، زیرا مانع نزول عذاب الهی نمی گردد (انعام: ۶).^{۲۶} این آموزه ها نقد ارزش های موهوم اهل کتاب است، زیرا یهودیان برای طلا و نقره ارزش ذاتی قائل هستند و خود را مالک همه ثروت های دنیا می دانند. یهودیان و مسیحیان گمان کنند خداوند طلا و نقره را دوست دارد (ظا، بی تا، ص ۲۱۵) و به همین جهت کلیساها و کنیسه ها را با زیورآلات تزئین می کنند. به صورت کلی، این نوع بیان در کتاب مقدس، سبب نگرش مادی یهود و نصاری شده است. ایشان به مال دوستی شهرت دارند، از خداوند چهره مادی در ذهن خود ساخته و در مناسک دینی، بسیار از طلا و نقره استفاده می کنند، مانند: شمعدان طلا یا ظروف نقره، یا صیصیت، شال و لباس کاهنان که در آن از نخ طلا، استفاده می شود. (شامی، ۲۰۰۰، صص ۱۳، ۲۰ و ۶۹؛ عصام، ۲۰۰۷، ص ۳۰؛ حاخام عادین، ۲۰۰۶، ص ۳۲) حتی ویل دورانت می گوید: تاریخ یهودیت هیچگاه از عبادت خدایان مادی خالی نبوده است. مانند: گوساله، کبش و حمل. این وصف برای حضرت ابراهیم (ع)، در این ساختار، می تواند، ارزش های موهوم مادی را نیز نفی کند.

^{۲۴} «و صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»

^{۲۵} «وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَزْنًا مَا قَفَصْنَا عَنْكَ مِنْ قَبْلُ وَ مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»

^{۲۶} «أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ لَكُمْ وَ أَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ جَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِدُنُوبِهِمْ وَ أُنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ»

تبیین شکل تحول معنایی واژه حنیف از نجس به موحد



نتایج

۱. یکی از واژگان غریب قرآن کریم، واژه «حنیف» است که پژوهش‌های متعددی توسط مستشرقان و قرآن پژوهان بر روی این واژه انجام شده است.
۲. واژه «حنیف» و «حنفاء» در مجموع ۱۲ بار در قرآن کریم به کار رفته است، در این پژوهش، تنها ۸ موردی بررسی قرار گرفت، که «حنیف» در ارتباط با واژه «ابراهیم» (ع) قرار داشت.
۳. ریشه‌شناسی واژه «حنیف»، با استفاده از چهار راه کار تفکیک معنای محوری از معنای مصداقی، رجوع به اصل مضاعف، مقارنه بین زبان‌های سامی و مراجعه به حروف تصویری نشان می‌دهد، معنای محوری این واژه «انحراف» است.
۴. معناشناسی تاریخی واژه «حنیف» نشان می‌دهد، این واژه در کتاب مقدس ابتدا برای زمین نجس و آلوده به کار رفته و منظور کتاب مقدس، منع از حضور مشرکان در بیت المقدس، بوده است.
۵. ولی بنی اسرائیل، در فهم دلیل این حکم شرعی کتاب مقدس دچار خطا شدند و تصور کردند، که غیر بنی اسرائیل نجس و ناپاک هستند و زمین خدا را ناپاک می‌کنند، بنابراین وصف «حنیف» به معنای «نجس» به غیر بنی اسرائیل تعمیم یافت.
۶. در معناشناسی تاریخی واژه «حنیف» باید به دو مؤلفه معنایی «سلامت» و «ابراهیم» (ع) توجه داشت. چون باور اهل کتاب بر این است که؛ وعده سلامت ابراهیم (ع) تنها برای بنی اسرائیل و تنها در ارض موعود محقق می‌گردد و مردم دیگر به دلیل این که غیر بنی اسرائیل و نجس هستند، شایستگی حضور در ارض موعود و رسیدن به سلامتی و خلاص را ندارند.

۷. قرآن کریم، وجود عهد و پیمانی برای بنی اسرائیل که ایشان فارغ از نوع عملکردشان به «سلامت» برسند را نفی کرد و عهد الهی را شامل همه بندگان خدا و مشتمل بر شرط عبادت و توحید، معرفی می‌نماید.
۸. معنای واژه «حنیف» در قرآن کریم، به این شکل تحول پیدا کرده است که اگر «حنیف» به معنای انحراف و گرایش است، می‌توان گفت: «حنیف»، در قرآن کریم کسی است که از ارزش‌های موهوم نژاد پرستی، جنسیت، مکانی و مادی، به سمت ارزش حقیقی ایمان و توحید عملی میل و گرایش پیدا کرده است.
۹. بنی اسرائیل، همواره قومی بوده‌اند که در فهم موضوعات با نگرش خودحق‌پنداری و خود مظلوم‌پنداری، دچار خطا شده‌اند و به جای فهم ارزش حقیقی توحید و تقوا، به سمت ارزش‌های موهوم نژادی، جنسیتی، مکانی و مالی رفته‌اند و به واسطه این ارزش‌های موهوم، خود را از مردم دیگر برتر دانسته‌اند.
۱۰. توجه به ارزش‌های موهوم، اختصاص به بنی اسرائیل ندارد و بشر همیشه در معرض این انحراف در تفکر هست و بایستی با دقت در غیرعقلانی بودن این ارزش‌ها، زندگی خود را در مسیر ارزش‌های حقیقی قرار دهد.
۱۱. خداوند با کاربرد وصف «حنیف» برای ابراهیم (ع) و تحول معنایی عمیق این واژه، به روش مجادله بطلان باورهای بنی اسرائیل را نشان داده و این مجادله و تمسخر را اهل کتاب به خوبی دریافته‌اند به همین جهت درباره آن موضع گرفته‌اند. این موضوع در بسیاری از واژگان دیگر مانند: اُمّی، سحت، نبتهل، نیز قابل بررسی است.
۱۲. با توجه به بیان جدلی، می‌توان بین معنای التزامی واژه «حنیف» و معنای به کار رفته در قرآن کریم، ارتباط و هماهنگی برقرار کرد. بنابراین لغویانی که گفته‌اند، «حنیف» به معنای کسی است که از شرک به سمت توحید مایل شده است، در نظام معنایی قرآن به این معناست، که «حنیف» کسی است که از ارزش‌های موهوم به سمت ارزش حقیقی توحید، تغییر جهت و گرایش داده است.

فهرست منابع

قرآن کریم

- گلن، ویلیام، کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی تهران، نشر اساطیر، ۱۳۸۳ ش.
- ابن فارس، احمد بن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، چاپ اول، قم، مکتب الإعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دارالفکر للطباعة و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
- ابوغضه، زکی علی، **المرأة فی اليهودیة**، منصوره، دارالوفاء، ۲۰۰۳ م.
- احمدی، احمد، حنیف، **ترجمه از دائره المعارف اسلامی**، شماره ۱، اسفند ۱۳۷۴ ش.
- اندرور پیپن، جان ونز برو، رحمان و حنفاء، **نشریه بولتن**، مرجع ۶، سایت پروتال جامع علوم و معارف
- أنیس، ابراهیم دلالة الفاظ، مصر، مکتبة آنجلو، ۱۹۹۷ م.
- برنابا، زهور، **قاموس ادیان و معتقدات الشعوب العالم**، قاهره، دارالکلمه، ۲۰۰۴ م.
- بل، ریچارد، **درآمدی بر تاریخ قرآن**، ترجمه خرمشاهی، قم، مرکز ترجمه قرآن مجید، ۱۳۸۲ ش.

- بیوی، محمد، **اثرالتيارات المادية في التصورات اليهودية**، بی تا، صص ۱۳۷-۱۷۰.
- پارساپور، زهرا، **اخلاق زمین**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۴۰۲ش.
- تقی زاده، علی، **ارزشهای اسلامی**، قم، هدایت، ۱۳۸۶ش.
- جفری، آرتو، **واژگان دخیل در قرآن**، فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات طوس، ۱۳۸۶ش.
- جوادی آملی، عبدالله، **تسنیم**، مرکز نشر اسراء چهارم، ۱۳۸۳ش.
- حاکم عادی، شیتزل، **معجم المصطلحات التلمودية**، ترجمة مصطفى، القاهرة، سلسلة الدراسات الاسلامية، ۲۰۰۶م.
- حجازی، محمود فهمی، **زبان‌شناسی عربی**، ترجمه سیدی، مشهد، بنیاد پژوهشها، ۱۳۷۹ش.
- حسن جبل، عبدالکریم محمد، **الدلالة المحورية في مقاييس اللغة**، دمشق، دارالفکر، ۲۰۰۳م.
- حسن جبل، حسن، **المعجم الاشتقاقي المؤصل لألفاظ القرآن الكريم**، قاهره، مكتبة الآداب، ۲۰۱۰م.
- رتس، گیر، **معناشناسی واژگانی**، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۹۳ش.
- رمضان، عبدالنواب، **فصول في فقه اللغة**، قاهره، مكتبة خنجی، ۱۴۰۹ق.
- زروانی و همکاران، مجتبی، بررسی و نقد آرای گابریل رینولدز در باب کفالت مریم(س)، **پژوهش‌های قرآن و حدیث**، سال ۴۹، ش ۲، صص ۲۶۹-۲۸۴، ۱۳۹۵ش.
- زکی، محمد صفا اسامة، **عقائد اليهود والنصارى في القرآن الكريم**، قم، جامعه‌ی آل البيت(ع)، ۲۰۰۹م.
- زمخشری، محمودبن عمر، **اساس البلاغة**، بیروت، دار صا، ۱۹۷۹م.
- سامرای، ابراهیم، **دراسات اللغتين السريانية والعربية**، بیروت، دارالجليل، ۱۹۸۵م.
- سقا، احمد، **المسيا المنتظر**، مصر، کلیه اصول الدین، ۱۹۷۷م.
- شامی، رشاد، **الرموز الدينية في اليهودية**، قاهره، جامعة عين شمس، ۲۰۰۰م.
- شرف‌الدین، سید جعفر، **الموسوعة القرآنية الخصائص سور**، دارالتقريب بين المذاهب الاسلامية، ۱۴۲۰ق.
- شیرداغی، محمد اسحاق، **روشن شناسی معرفت دینی**، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۸ش.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، **محیط في اللغة**، بیروت، عالم الكتاب، ۱۴۱۴ق.
- صانع‌پور، محمد حسن، **کاربست معناشناسی تاریخی در تحلیل معنای حنیف در قرآن کریم**، **پژوهش‌های قرآن و حدیث**، ش ۱، صص ۱۰۶-۹۱، ۱۴۰۲ش.
- صبحی، صالح، **دراسات في فقه اللغة**، بیروت، دار العلم الملايين، ۲۰۰۴م.
- صفا، داوود، **جامعه شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی از دیدگاه اسلام**، تهران، انتشارات صدا و سیما، ۱۳۸۳ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، **المیزان في تفسير قرآن**، قم، دفتر انتشارات ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان**، تهران، حسینی، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
- ظاها، حسن، **الفکر الديني الاسرائيلي، فلسطين**، قسم البحوث و الدراسات الاسلامية، بی تا.
- ظاها، حسن، **طقوس الحج عند اليهود**، الفيصل، شماره ۲۱۰، ذو الحجة ۱۴۱۴ق.

- عاشور، محمد، **مركز المرأة في الشريعة اليهودية**، منصوره، مكتبة الايمان، بی تا.
- عصام، آلام، **الجانب المادی فی شخصية اليهودية فی القرآن الکریم**، اردن، کلیه الدراسات العليا، جامعة اردن، ۲۰۰۷ م.
- علوان، حسین جلیل، **دلالة المفردة القرآنية**، دمشق، تموزه، ۲۰۱۶.
- عوض، عبدالرحمن، **الخلاص من الخطیئة**، قاهره، دارالبشیر، بی تا.
- عیساوی، عبدالسلام، **قضايا المعنی فی التفكير اللسانی**، تونس، الشركة التونسية، ۲۰۱۵ م.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، **كتاب العین**، چاپ دوم، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
- فروزنده وهمکار، لطف الله، **طراحی الگوی های تصمیم گیری اسلامی**، اسلام و مدیریت، ش ۱، پیاپی ۱۱، ۱۳۹۴، صص ۱۱۷-۱۳۵.
- فیرلین، فیروج، **القاموس الموسوعه للعهد الجدیده**، قاهره، مکتبه دار الكلمه، ۲۰۰۷ م.
- قرائتی، محمد محسن، **تفسیر نور**، تهران، مرکز فرهنگی درس های از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
- کلارک، پیتر، **دایره المعارف جنبش های نو ظهور**، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۴۰۰.
- کمال الدین، حازم علی، **معجم المفردات المشترك السامی فی اللغة العربیه**، قاهره، مکتبه الاداب، ۲۰۰۱ م.
- محمودپور، محمد، معنی شناسی و کاربرد شناسی حنیف، **مطالعات اسلامی**، ش ۶۵، ۱۳۸۳، صص ۲۱۱-۲۲۲.
- محسن، عاطف اسماعیل، **علم الدلالة دراسة النظرية والتأصيل**، عمان، نشر وراق، ۲۰۱۶.
- مسکین، اب متی، **الایمان و الخلاص**، بیروت، دیر قدیس انبامقارو، بی تا.
- مسیری، عبدالوهاب، **گفتمان صهیونیستی**، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۹ ش.
- مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن کریم**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- مطرزی، ناصر بن عبدالسید، **المغرب فی ترتیب المغرب**، حلب، مکتبی اسامة بن زید، ۱۹۷۹ م.
- معموری، علی، درآمدی بر کاربرد ریشه شناسی در مطالعات تاریخی، **دوفصلنامه کتبی**، ش ۳، ۱۳۸۴ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دار الکتاب الاسلامی، چاپخانه گوهر اندیشه، ۱۳۸۵ ش.
- منجد، نورالدین، **التراذف فی القرآن الکریم**، دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
- میسری، عبدالوهاب، **دایره المعارف یهود**، تهران، موسسه مطالعاتی تاریخ خاور میانه، ۱۳۸۲ ش.
- یونس علی، محمد محمد، **المعنی و ظلال المعنی**، بیروت، دارالمدار الاسلامی، ۲۰۰۷ م.

Griffith, Sidney, "Al-Naṣārā in the Qur'ān: A Hermeneutical Reflection," in Gabriel Said Reynolds (ed.), *New Perspective on the Qur'ān: The Qur'ān in Its Historical Context 2*, ed. Gabriel Said Reynolds, (London: Routledge, 2011), 301-322.

Gesenius, William, *Hebrew and English Lexicon of The Old Testament*, New York, Oxford, 1930.

Dadson Samuel ahebw ana chaldee lexicon Landan Brn Aanrd tuuchtitz 1885

نقشهٔ پیش از انتشار